

## چشم انداز قدرت نرم روسیه در آفریقا

علیرضا وزین<sup>۱</sup>

چکیده:

روند سیاست خارجی روسیه، در توجه به آفریقا نشان از آن دارد که مسکو با جدیت به سوی گسترش روابط همه جانبه با کشورهای آفریقایی و نفوذ بیش از پیش در این قاره تلاش می کند. به ویژه شخص «ولادیمیر پوتین» سعی دارد از رقابت گسترده ای که بین قدرتهای بزرگ نظیر آمریکا، چین، اتحادیه اروپا و حتی هند برای حضور در آفریقا وجود دارد، بازماند و روسیه را به عنوان یک ابرقدرت با عملکرد موثر فرامنطقه ای و بین المللی بار دیگر به جهان بازشناساند. نخستین نشست روسیه و آفریقا در اول آبان سال جاری (۲۳ اکتبر ۲۰۱۹) در شهر «سوچی» برگزار شد که روسای همه کشورهای این قاره و همچنین رهبران انجمن ها و سازمان های مهم منطقه ای قاره سیاه حضور داشتند، فرصتی برای محکم شدن جای پای روسیه در این قاره بود و در حاشیه این نشست قراردادهایی به ارزش بیش از ۱۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار امضا گردید. از نظر رئیس جمهوری روسیه؛ قاره آفریقا دارای ذخایر عظیم منابع طبیعی و نیروی انسانی است و جذابیت بی نظیری دارد و روسیه با پشتوانه ای از سابقه حضور در آفریقا، توسعه روابط همه جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آفریقا را در مد نظر دارد. در این نوشتار تلاش می شود تا به صورت توصیفی، با تحلیل سیاست خارجی روسیه در برابر ظرفیت های قاره آفریقا، رویکرد جدید این کشور و آثار آن را در توسعه روابط فرهنگی تبیین نمود.

**کلید واژگان:** قدرت نرم، دیپلماسی فرهنگی، روسیه، بنیاد جهان روسی، آفریقا، روابط فرهنگی.

<sup>۱</sup> کارشناس و رئیس اداره شرق و جنوب آفریقا

## مقدمه:

حماسه حضور اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در آفریقا؛ دارای بنیان و پایه ای است که روسیه کنونی، بازگشت مجدد خود به این قاره را توجیه پذیر می‌داند. اولویت کسب منافع دیپلماتیک روسیه در اواخر قرن نوزدهم علیه محرومیت از تقسیم استعماری قاره آفریقا توسط قدرتهای اروپایی در کنفرانس برلین در سال ۱۸۸۵ مورد توجه قرار گرفت. «زمین حاصلخیز»، عبارتی است که قبلاً توسط شوروی شناسان برای مشخص کردن اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یک مرجع هنجاری و ایدئولوژیک جدید مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در نوامبر سال ۱۹۲۲ میلادی، پس از ایجاد GPU «اداره اطلاعات و امنیت و ضد جاسوسی» که جانشین Tcheka «چکا» (سازمان امنیت) گردید؛ همزمان با بزرگداشت تأسیس اتحاد جماهیر شوروی؛ چهارمین کنگره کمیترن «کمونیست بین الملل» با محوریت «مسئله آفریقا» برگزار شد که به موضوع برده داری و مسئولیت ایالات متحده آمریکا پرداخت.

حضور اتحاد جماهیر شوروی در آفریقا در طول جنگ سرد، بخشی جدایی ناپذیر از مبارزه جهانی علیه غرب بود. استراتژی مسکو برای حضور در آفریقا، تنها به منظور مقابله با هجمه ابرقدرت غرب و پایگاه امپریالیسم یعنی آمریکا بود. ایده رهبران جدید اتحاد جماهیر شوروی مبتنی بر استفاده از این قاره برای به دست آوردن امتیاز در رقابت مقابل اردوگاه سرمایه داری و همچنین به منظور گسترش ایدئولوژی کمونیسم در جامعه «آفریقایی-آمریکایی» ایالات متحده بود. از طرف دیگر با راه اندازی حکومت های سوسیالیستی-کمونیستی در منطقه آفریقا و یا حمایت از دولت های با گرایشات متمایل به مسکو، درصدد گسترش هژمونی خویش و مقابله با نفوذ ابرقدرت غرب و استعمار در آفریقا بود.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، آفریقا از اولویت مسکو به کنار نهاده شد. در سال ۲۰۱۳، هنگامی که «ولادیمیر پوتین» به «نلسون ماندلا» ادای احترام کرد، وی در مقابل، بر دوستی خود با روسیه و اهمیت حمایت مسکو از مبارزه

علیه رژیم آپارتاید تأکید نمود. تفسیر مجدد رویدادهای مهم تاریخی روسیه و منافع آن، علت بازگشت روسیه به منطقه آفریقا است. از دیرباز، تمامی تولیدات خبرنامه‌های «انستیتوی مطالعات آفریقایی» (آکادمی علوم روسیه)<sup>۱</sup> بر روی برجسته سازی نقش اتحاد جماهیر شوروی سابق و فدراسیون روسیه فعلی در توسعه آفریقا متمرکز است. این مقاله ضمن محور قراردادن استفاده از قدرت نرم در روابط روسیه با آفریقا؛ این سوال را مطرح می کند که هدف روسیه از تلاش برای توسعه ابزارهای قدرت نرم خویش در منطقه آفریقا چیست؟ در پاسخ به سوال، این فرضیه مطرح می شود که روسیه، در تلاش برای توسعه قدرت نرم و تحکیم پیوندهای فرهنگی با منطقه آفریقا است. بنابراین در ابتدا به جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی روسیه پرداخته می شود و سپس میزان اثرگذاری ابزارهای قدرت نرم روسیه و تأثیر آن بر روابط با آفریقا مورد ارزیابی قرار می گیرد.

### چارچوب مفهومی قدرت نرم

«قدرت» محوری ترین اصل در علم سیاست است و در عرصه روابط بین الملل نیز از پیشینه و قدمت زیادی برخوردار است. ولی «قدرت نرم» اصطلاحی جدید در دو دهه اخیر به شمار می آید و نظریه پرداز اصلی آن «جوزف نای»<sup>۲</sup> استاد دانشگاه هاروارد است که در کتاب خویش «قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل»<sup>۳</sup> اشاره می کند که قدرت در مفهوم کلی به معنای قابلیت نفوذ در رفتار دیگران به منظور حصول نتایج دلخواه تعریف می شود. از نظر «جوزف نای»، قدرت نرم هر کشور، در اصل از سه منبع نشأت می گیرد:

1- The Institute for African Studies (Russian Academy of Sciences)-

<https://www.inafran.ru/en> این انستیتو در سال ۱۹۵۹ میلادی در مسکو و تحت نظارت «آکادمی علوم روسیه» ایجاد و راه اندازی شد که تعداد ۱۵۸ محقق، ۸۰ دکتر و ۳ پروفسور کارکنان اصلی آن را تشکیل می دهند.

2- Joseph Nye

3- Soft Power: The Means to Success in World Politics (PublicAffairs, 2004).

- فرهنگ (بخش هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش های سیاسی (زمانی که منطبق با افکار عمومی داخل و خارج باشد) و سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شود)؛ (نای، ۱۳۷۸: ۴۳-۵۱).

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، «نای» مفهوم قدرت را بار دیگر مطرح کرد و چنین استدلال کرد که دولت های موفق، هم به قدرت سخت و هم به قدرت نرم (به معنای توانایی اقناع دیگران و همچنین توانایی شکل دادن به ایستارها و ترجیحات بلندمدت آنها) نیاز دارند. به عقیده وی، امنیت یک کشور به همان اندازه که به پیروزی در جنگ ها وابسته است، به موفقیت در جلب قلوب و اذهان مردم دیگر کشورها نیز بستگی دارد. بر این اساس، فرهنگ، ایده آل ها و ارزش های یک کشور و یا به عبارتی «برساخته های اجتماعی»، دارای نقش بسیار مهمی در مساعدت به آن کشور جهت جذب مخاطبین، حامیان و مشارکت کنندگان است.

### چارچوب مفهومی دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی در عرصه روابط بین الملل، در راستای بهبود روابط و مناسبات فیما بین کشورها جایگاه ویژه ای دارد و موجب همگرایی میان دولت ها و ملت ها می گردد. دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزار سیاست خارجی کشورها که هنر ترویج و توسعه فرهنگ را برعهده دارد، در فراهم آوردن زمینه های همکاریهای مشترک و شناخت و شناساندن فرهنگ ها و تبادل ارزشهای فرهنگی و تحکیم و تثبیت روابط حسنه میان دولتها تأثیر بسزایی داراست. «منظور از دیپلماسی فرهنگی، تلاش برای درک، آگاهی، مشارکت و تأثیر بر افکار عمومی نهادها، سازمان ها و دولت های سایر کشورهاست» (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴: ۷). دیپلماسی فرهنگی عبارت است از تبادل ایده ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه های فرهنگی میان ملت ها به منظور دستیابی به مفاهیم میان ملت ها و کشورها (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

هر چند دیپلماسی فرهنگی قدرت نرم در درک متقابل فرهنگی و اعتماد سازی در پیشبرد روابط و مناسبات فیما بین کشورها و تأمین منافع ملی است؛ ولی تغییر و تحولات جدید

در عرصه جهانی شدن، امنیت بین الملل، منازعات و درگیریهای مذهبی و.. موجب گردیده، ارزش و اهمیت دیپلماسی فرهنگی بر پایه گفتگو، تفاهم و تعامل در چارچوب روابط بین الملل نقش والایی بیابد. تنوع فرهنگی نیز در افزایش برقراری ارتباط صمیمی و درک متقابل فرهنگ ها به ویژه در سطوح اجتماعی مردمی مساعدت می نماید. با توجه به اینکه رهیافت قدرت سخت به لحاظ تاریخی یک سیاست مطلوب برای حکومتها به منظور اداره و هدایت روابط بین المللی و منطقه ای بوده، ولی اکنون درهم تنیدگی فزاینده صحنه جهانی، نیاز به همکاری و معاضدت در یک سطح جدید را عیان و آشکار می سازد. در چنین فضایی است که دیپلماسی فرهنگی به عنوان شکلی از قدرت نرم اهمیت پیدا می کند. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳۰)

#### سیاست خارجی روسیه

سیاست خارجی روسیه کمونیستی (شوروی)، سیاستی فرهنگ محور بود. یعنی توجه به ایده مارکسیسم و ترویج آن در اذهان مردم جهان بود که تحقق آن، تنها با یک انقلاب جهانی میسر بود. در واقع مسکو قصد داشت تا در پناه حاکم شدن کمونیسم، نفوذ شوروی را در جهان افزایش دهد. ایدئولوژی کمونیسم در ساختار شوروی، نقش ستون اصلی را داشت که شیرازه ی حکومت را مستحکم می نمود، ولی با همه اینها، دوام چندانی نیافت. اکنون فدراسیون روسیه فاقد ایدئولوژی در سیاست خارجی است و به دنبال هویت جدیدی است.

در بررسی سیاست های هر کشوری نقش زمامدار بسیار مهم است و از لحاظ شخصیت، رئیس جمهور «ولادیمیر پوتین»، فردی ملی گرا، واقع نگر، عمل گرا و وفادار به اصلاحات در روسیه است و در عین حال به هیچوجه غرب زده نمی باشد. در اوایل دوره اول ریاست جمهوری پوتین، حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، نقطه عطفی در سیاست خارجی روسیه رقم زد. پوتین که در پی بازیابی جایگاه روسیه در صحنه جهانی بود و در شرایطی که این کشور با مسائلی چون معضل هویتی در مورد جایگاه و موقعیت خود درگیر شده بود، توانست بعد از ۱۱ سپتامبر با درک درست از شرایط جدید، تا حدود

زیادی از آن بهره برداری نماید و خود را همسو و همگام با روندهای موجود و به ویژه با ایالات متحده نشان دهد.

در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، وارد دوران جدیدی شد و در شرایط یک «قدرت در حال بازسازی» و تجدید حیات به منظور دستیابی به عنوان یک قدرت بزرگ و تأثیرگذار بین‌المللی بود. آسیب‌پذیری امنیتی روسیه، نسبت به بنیادگرایی و افراط‌گرایی دینی، مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده‌ی سیاست خارجی و جهت‌گیری این کشور نسبت به منطقه خاورمیانه بود.

در دوره سوم ریاست جمهوری پوتین، وی سیاست خارجی فدراسیون روسیه از طریق امنیت ملی این کشور را مجدداً تبیین کرد و ابعاد جدیدی در سیاست خارجی روسیه پدیدار گردید: استفاده از ابزار سایبری علیه دولت‌های خارجی، لابی‌گری تهاجمی روسیه، دیپلماسی نمایش قدرت هوایی روسیه (در منطقه بالتیک، سواحل کریمه و در سوریه)، بهبود روابط نابسامان با آمریکا.

در دوره چهارم ریاست جمهوری پوتین، چالش‌های مختلف در عرصه بین‌المللی در سیاست خارجی روسیه بوجود آمد، همانند اختلاف نظر در مورد جنگ سوریه با کشورهای غربی و تقویت روابط با چین و کشورهای خاورمیانه و به طور کلی در سال‌های اخیر به نوعی برآیند سیاست خارجی ملی‌گرایان دست راستی و کمونیست‌ها، منهای ایدئولوژی مارکسیستی است. تحول عمده‌ای که در داخل فدراسیون روسیه رخ داده و بر وجه بین‌المللی آن تأثیر گذارده؛ این است که نفوذ کلیسای ارتدوکس قوی شده، چون دارای اندیشه و تفکر مذهبی است و می‌تواند موجب اجماع مردم شود و از طرف دیگر باعث می‌شود تا کمونیست‌ها به قدرت برنگردند.

بررسی تحولات موجود در سیاست خارجی روسیه به ویژه از ابتدای ریاست جمهوری آقای «ولادیمیر پوتین» نشان از روش و رویکرد «عمل‌گرایی» در عرصه بین‌الملل دارد و مسکو در بکارگیری «قدرت نرم» یعنی توان تأثیرگذاری بر بستری از فرهنگ و علم و به دور از کاربرد زور و قدرت نظامی تأکید دارد. بنابراین روسیه شروع به اقداماتی کرده تا چهره و تصویر بهتری از خود ترسیم نماید. در واقع، القاء این تفکر و اندیشه که روسیه،

اتحاد جماهیر شوروی نیست و دیگر ادعای سیطره بر جهان را ندارد و فقط فضایی را تعیین می کند که قلمرو منفعت حیاتی خویش می انگارد. (Radvavyi, 2013:23)

### مفهوم «جهان روسی»

در ژوئن سال ۲۰۰۷ میلادی، رئیس جمهور پوتین با هدف ایجاد «ترویج زبان روسی»، به عنوان میراث ملی روسیه و جنبه قابل توجهی از فرهنگ روسی و جهانی و حمایت از برنامه های آموزش زبان روسی در خارج از کشور، با تأسیس «بنیاد جهان روسی»<sup>۱</sup> موافقت کرد. این بنیاد یک پروژه مشترک وزارت امور خارجه و وزارت آموزش عالی است و توسط کمک های دولتی و خصوصی پشتیبانی می شود. بنیاد مذکور به سرپرستی «ویچسلاو نیکونوف» معاون گروه تاریخ و علوم سیاسی در دانشگاه بین المللی مسکو است. هیأت امنای بنیاد متشکل از دانشگاهیان برجسته روسی، شخصیت های فرهنگی و کارمندان برجسته دولت می باشد و به ریاست خانم «لودمیلا وربیتسکایا الکساندرنا» رئیس دانشگاه دولتی سن پترزبورگ و رئیس انجمن بین المللی استادان زبان و ادبیات روسی فعالیت می کند. مأموریت این بنیاد؛ ترویج تفاهم و صلح در جهان با پشتیبانی، تقویت زبان، میراث و فرهنگ روسی، آموزش زبان روسی در خارج نزدیک (کشورهای همسایه آسیای مرکزی و قفقاز) و نیز خارج دور (کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقا) محسوب می شود (هم برای زبان آموزان جدید این زبان و هم برای کسانی که از قبل روسی را می شناسند و دوست دارند و مایل به بازیابی یا حفظ تسلط خود هستند).

روسیه در سال های اخیر، از نقش فعالان غیردولتی و رجوع روز افزون به قدرت نرم به عنوان ابزاری برای کسب نفوذ بیشتر استفاده می کند بنابراین؛ در حال حاضر، تعبیر «جهان روسی» دربرگیرنده زبان، فرهنگ، تاریخ، میراث مشترک، روابط

4- Fondation Russkiy Mir - <https://russkiymir.ru/en>

اقتصادی، مذهب و ارزش‌های سنتی است که در مقابل ارزش‌های غربی لیبرالیسم و حقوق بشر مطرح می‌شود تا مشروعیت و نفوذ روسیه را برقرار سازد.

### ابزارهای قدرت نرم روسیه در حوزه آفریقا

ظهور و بروز تحولات جدید در عرصه بین‌الملل در دهه‌های اخیر، موجب توجه به افزایش نفوذ قدرت نرم در روند سیاست خارجی کشورها برای کسب منافع ملی گردیده است. فدراسیون روسیه با توجه به مواجهه با مشکلات و چالش‌ها در روابط بین‌الملل و به منظور حفظ جایگاه برتر به اهمیت همه‌جانبه قدرت نرم در عصر انقلاب ارتباطات پی‌برد و تلاش نمود تا به تناسب توانایی‌ها و ظرفیت‌ها از ابزارهای آن به منظور اهداف و سیاست‌های خود بهره‌برداری نماید.

روس‌ها یک نگرش مشترک به قدرت نرم دارند که منشاء آن ریشه در جهان بینی کلی فرهنگ روسی دارد؛ «کنستانتین کاساچف» (رئیس وقت کمیته امور خارجی دوما دولتی روسیه) در این مورد معتقد است، "روسیه باید این موضوع را درک کند که بخش‌های انسانی و غیرمادی زندگی بشر، نه تنها ارزشی کمتر از بخش‌های مادی آن نداشته، بلکه حتی شاید از آن وجه ملموس‌تری نیز دارد."

(Kosachev, 2012)

نخستین بار در انتخابات ریاست جمهوری در فوریه ۲۰۱۲ «ولادیمیر پوتین» مفهوم قدرت نرم را این‌گونه توضیح داد: "مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌ها برای دست‌یابی به اهداف سیاست خارجی بدون استفاده از منابع نظامی، بلکه با استفاده از اطلاعات هوشمند و سایر اهرم‌های نفوذ". (Putin, 2012)

رویکرد روسیه نسبت به «قدرت نرم»، به خوبی نشانگر تلاش‌های کرملین برای ریشه‌کن کردن تهدیدهای نرم‌افزاری در داخل کشور و ابزار سیاسی برای همگرایی در منطقه خارج نزدیک و سایر مناطق جهان است. ابزارهای تولیدکننده و یا تقویت‌کننده قدرت نرم روسیه عبارتند از: ترویج زبان و ادبیات روسی، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌ها، موقعیت ایدئولوژیکی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و



گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از جامعه روسیه، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های مقبول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی نسبت به روسیه، معرفی جایگاه علمی پیشرفته و فن‌آوری‌های تکنولوژیکی روسیه، شناساندن توانمندی اقتصادی بالا، قدرت شکل‌دهی و کنترل افکار عمومی، نفوذ در باورها و نگرش‌های مخاطبین، برخورداری از شبکه‌های خبری با پوشش گسترده و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های مجازی اینترنتی است.

بارزترین مشخصه قدرت نرم روسیه در جنبه‌های فرهنگی، اقدامات روسیه صرفاً برای ترویج فرهنگ روسی بکار رفته که نشان دهنده ماهیت درون‌گرای آن می‌باشد؛ یعنی تأکید بر جامعه روس زبان و گسترش زبان و ادبیات روسی دارد. دیپلماسی فرهنگی قدرت نرم روسیه؛ در راستای درک متقابل فرهنگی و اعتماد سازی جامعه هدف، علاوه بر ترویج زبان روسی، معطوف به نخبگان دانشگاهی نیز شده و در این روند موجبات اعطای تسهیلات آموزشی از قبیل بورس‌های تحصیلی، دوره‌های مطالعاتی و جذب اساتید و پژوهشگران از دیگر کشورها، تبادل دانشجو و هیئت‌های علمی، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی علمی و فناوری را فراهم آورده است. برای شناخت برنامه‌های روند تولید قدرت نرم روسیه در آفریقا به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می‌شود:

#### الف) همکاری فرهنگی و دانشگاهی روسیه با آفریقا

علاوه بر توسعه روابط فرهنگی؛ ترویج و ارتقاء زبان و ادبیات روسی، همکاری بین موزه‌ها، زمینه‌های آموزش رشته‌های دانشگاهی (تاریخ، ریاضیات، اقتصاد و ...)، عناصر اصلی دیپلماسی فرهنگی روسیه در آفریقا هستند. آمار و ارقام ارائه شده توسط دانشگاه RUDN (دانشگاه روسی "دوستی ملت‌ها" که در زمان اتحاد جماهیر شوروی به نام

"پاتریس لومومبا" بود)<sup>۱</sup> حاکی از آن است که از دهه ۱۹۷۰ چهارصد هزار آفریقایی در دانشگاه‌ها تحصیل کرده‌اند که نشان دهنده ردپای قابل توجهی از حضور ایده کرملین برای نفوذ در آفریقا است. قدیمی‌ترین روابط دیپلماتیک بین روسیه و اتیوپی از ۱۲۰ سال پیش وجود داشته و بر اساس تخمین «گروم آبایی»، سفیر اتیوپی در روسیه، حدود ۲۰ هزار اتیوپیایی در اتحاد جماهیر شوروی سابق و فدراسیون روسیه تحصیل کرده‌اند. ۱۲۶ هزار نفر آفریقایی طی سالهای ۱۹۵۰-۱۹۹۰ در روسیه مشغول به تحصیل دانشگاهی شدند و در سال ۲۰۱۲ میلادی حدود ۷۶۰۹ نفر دانشجوی اهل شمال آفریقا (کشورهای الجزائر، تونس، مصر و مغرب) در رشته‌های مهندسی و پزشکی در دانشگاه‌های روسیه مشغول تحصیل گردیدند.

با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده از مدیریت چندین خوابگاه دانشجویی در مسکو در محله‌های Beliaev و Yuzko-Zapadnaya که اکثر دانشجویان خارجی ساکن هستند، در حال حاضر کمتر از ۵۰۰۰ دانشجوی آفریقایی در دانشگاه‌های روسیه وجود دارد که سه هزار نفر دانشجوی بورسیه می‌باشند. در میان آنها، اکثریت برای یادگیری زبان، ادبیات و تمدن روسی تحصیل می‌کنند تا بعدها بتوانند به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در رشته‌های مختلف پردازند.

#### ب) فعالیت تحقیقاتی روسیه در خصوص آفریقا

فعالیت موسسه مهم همکاری علمی روسی و آفریقایی، «انستیتوی مطالعات آفریقایی» (وابسته به آکادمی علوم روسیه) که رئیس فعلی آن «الکسی واسیلیوف» است؛ شامل چاپ و انتشار ده‌ها نشریه تحلیلی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی است. این مرکز به یازده مرکز تحقیقاتی (مرکز تاریخ و مردم‌شناسی، مرکز تحقیقات تاریخ آفریقای جنوبی، مرکز مطالعات آفریقای شمالی و شاخ آفریقا، مرکز مطالعات اقتصادی، مرکز اطلاعات و روابط بین‌الملل، مرکز مطالعات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، مرکز مطالعات مسائل استراتژیک و...) تقسیم شده و ساختار خود را به عنوان پژوهشگاهی برای تحقیق در خصوص ایده‌ها

<sup>۱</sup>- The Peoples' Friendship University of Russia (<http://rudn.ru>)

در زمینه آفریقا معرفی و ارائه کرده است. از سال ۲۰۱۴، مضامین تحقیق در زمینه پایان نامه های ارشد و دکترا در خصوص آفریقا متنوع گردیده است: چشم اندازهای توسعه و گسترش BRICS<sup>۱</sup>، منافع روسیه در آفریقا، نوآوری در آفریقا، حاکمیت و ثبات در آفریقا، همکاری بین آفریقای جنوبی و روسیه، افراط گرایی اسلامی در آفریقا، تحولات سیاسی و امنیتی در منطقه ساحل آفریقا، هویت آفریقایی در قرن بیست و یکم، گفتمان فرهنگی و تمدنی آفریقا، سیاست خارجی کشورهای آفریقایی، تاریخ درگیری های مسلحانه در آفریقا، عواقب جهانی شدن در آفریقا.

کتابشناسی موضوعات تحقیقی به ویژه در خصوص آفریقا، غنی است: تعداد صد کتاب و مقاله، در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ منتشر شده است. آکادمی علوم روسیه به طور گسترده در خصوص نقش چین در آفریقا مطالبی را چاپ نموده و مدیر بخش مطالعات آفریقایی، خانم «ایرینا ابرامووا»<sup>۲</sup> مرتباً مسکو را برای حضور در آفریقا تشویق و ترغیب می کند تا جلوی جاه طلبی های پکن را بگیرد، حتی سعی دارد یک جایگزین یعنی روسیه را به کشورهای آفریقا پیشنهاد دهد. ([www.inafran.ru/2017](http://www.inafran.ru/2017))

محققان روسی، خط مشی دوجانبه «چین-آفریقا» به ویژه ابتکار عمل در زمینه ایجاد هم افزایی بین صنعتگران آفریقایی و بانک های چینی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده اند. بانک توسعه چین به صورت هوشمندانه از ابزار آکادمیک به نفع تجارت استفاده می کند. در روسیه؛ مجمع «چین-آفریقا» (FOCAC) به عنوان یک الگوی دیپلماسی اقتصادی موثر برای نفوذ در بازار آفریقا از طریق «مناطق ویژه اقتصادی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بنابراین مدل چین احتمالاً منبع الهام بخش برای ایجاد خط مشی ابتکار عمل تجاری آفریقا است که توسط کرملین و وزارت صنعت و تجارت (MinPromTorg) تهیه شده است. در سال ۲۰۱۶، وزیر صنعت «دنیس مانتوروف»، طرفدار ایجاد چندین مجمع دوجانبه روسیه و آفریقا برای دیپلماسی پیوند اقتصادی بین صنعتگران آفریقایی و

<sup>۱</sup> - BRICS؛ اصطلاحی برای گروه اقتصادی چهار کشور دارای توسعه اقتصادی پیشرفته؛ برزیل، روسیه، هند و چین که توسط «جیم اونیل» در سال ۲۰۰۱ اتخاذ شد.

<sup>۲</sup> - Irina Abramova

روسی بود. روسیه می‌خواهد علیرغم موقعیت خود به عنوان یک کشور قدرتمند در حال ظهور، توانایی خود را در حمایت از توسعه کشورهای آفریقایی نشان دهد. این مؤسسه همچنین از طریق سمینارهای همراه با رویدادهای مربوط به تجارت (مجمع سن پترزبورگ) و به یاد همکاری‌های آفریقایی و اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، دیدگاه بیگانگان نسبت به خود را طراحی می‌کند. روسیه حمایت از ابتکارات آفریقایی را که یادآور مبارزات برای آزادی ملی و سالگرد مبارزه با استعمارگر اروپایی است، از افتخارات خود می‌داند. بدین ترتیب، مسکو در جشن سالگرد بیستمین سالگرد نسل‌کشی «توتسی‌ها» در رواندا در سال ۲۰۱۴ شرکت نمود. در این راستا، آکادمی علوم روسیه با اقدامی سیاسی-دیپلماتیک و تشریح نقش فرانسه و بلژیک، این کشتار را محکوم کرد. دولت روسیه، نهاد «ابتکار تجارت آفریقا» را به رهبری «میخائیل بوگدانف» در سال ۲۰۱۶ راه اندازی کرد. این نهاد به منظور توسعه سیاست آفریقایی روسیه آمیخته با تحقیقات دانشگاهی، اقتصاد، دیپلماسی، دفاع و امنیت است. به طور دقیق‌تر، هدف آن قرار دادن روسیه به عنوان راهنما و الگویی برای کشورهای آفریقایی است که می‌خواهند از طریق ایجاد مشارکت استراتژیک با مسکو، خود را به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای مطرح کنند.

### ج) ابزار رسانه‌ای روسیه در حوزه آفریقا

روس‌ها تلاش می‌کنند تا با استفاده از گسترش شبکه‌های تلویزیونی-کانال‌های ماهواره‌ای بخش عمده‌ای از فرهنگ، ادبیات و موسیقی مشهور خود را در قالب فیلم‌های سینمایی، تئاتر، تله‌فیلم‌های تلویزیونی و برنامه‌های شاد تلویزیونی برای همه رده‌های سنی به سایر کشورها ارسال کنند. همچنین در چند سال اخیر، علاوه بر پخش فیلم‌های خاطره‌انگیز دوران اتحاد جماهیر شوروی که منعکس‌کننده وضعیت ویژه آن دوران است، تولید و پخش فیلم‌های جدید و معاصر به سبک هالیوودی و حتی در فضای مجازی به طور گسترده افزایش یافته است. روسیه برای بخشی از رقابت خویش با غرب در حوزه آفریقا از ابزار رسانه برای ارائه تصویر مثبت بهره می‌جوید. روسیه چندین

کانال ارتباطی را مستقر کرده و در تلاش است تا نسخه های فرانسوی و انگلیسی دو رسانه اصلی بین المللی خود RT (راشا تودی) و Sputnik (اسپوتنیک) را تبلیغ کند. از وب سایت های خود در آفریقا به نام Africa Daily Voice مستقر در مغرب و سرویس فرانسوی زبان خبری Afrique Panorama مستقر در پایتخت ماداگاسکار حمایت و پشتیبانی می کند. خط تحریریه آنها عموماً درمقابل استعمارگران سابق، لحن انتقادی را به نمایش می گذارند و سیاست فرانسه در آفریقا را به عنوان «خط مشی امپریالیسم علیه آفریقا» تصویر سازی می کند.

طبق اظهار نظر یکی از مدیران اجرایی سابق روابط عمومی موتور جستجوی اینترنتی Google، روسیه در کمپین های "Google Adwords" سرمایه گذاری می کند تا موتورهای جستجوگر مرتبط با گوگل و درخواستی مخاطبان در آفریقا، دریافت اطلاعات از سایت های روسی را در اولویت قرار دهند. هر چند هدف آن، به حداکثر رساندن انتشار این محتوی در جریان رسانه های اصلی آفریقا برای سنجش تأثیر این ابتکارات، هنوز خیلی زود به نظر می رسد، اما در بلندمدت یک نقطه شروع هوشمندانه است. (Kalika, 2019:6)

### ظرفیت های قاره آفریقا

قاره آفریقا، دومین قاره بزرگ جهان با ۳۰/۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، یک پنجم خشکی های زمین را در بر گرفته است. در این قاره، ۵۴ کشور مستقل وجود دارد و بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر که ۱۵ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می دهند در آن زندگی می کنند. به رغم اینکه نام آفریقا همواره یادآور فقر و فلاکت بوده، اما بر اساس برآوردهای بین المللی؛ ۹۶ درصد الماس، ۹۰ درصد کروم، ۸۵ درصد پلاتین، ۵۰ درصد کبالت، ۵۵ درصد منگنز، ۴۰ درصد بوکسیت، ۱۳ درصد مس، ۵۰ درصد فسفات، ۶۵ درصد طلا، ۳۰ درصد توریوم و اورانیوم جهان در آفریقا قرار دارد. این در حالی است که آفریقا مالک ۲۰ تا ۲۵ درصد ظرفیت هیدروالکتریک جهان نیز هست که تا کنون بخش کوچکی از آن تحت کنترل درآمده است. (محمدی، ۱۳۹۵)

کشورهای آفریقایی: نیجریه، لیبی، الجزایر، گابن، آنگولا، گینه استوایی، سودان، چاد و موریتانی صادرکنندگان اصلی نفت و گاز هستند. از نظر ژئوپلیتیک، قرار گرفتن آفریقا در بین قاره های آسیا و اروپا و وجود چهار آبراه استراتژیک دریایی (کانال سوئز، تنگه جبل الطارق، باب المندب و دماغه امیدنیک) اهمیت ویژه ای به این قاره داده است. به لحاظ فرهنگی بیش از ۵۵ درصد از مردم آفریقا مسلمان هستند و به عبارتی می توان گفت آفریقا تنها قاره ای است که بیشتر جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می دهند.

بیش از پنجاه سال پس از استقلال، هنوز نظام آموزش و پرورش بسیاری از کشورهای آفریقایی مطابق و سازگار با واقعیت های جهان امروز و تکامل جوامع آفریقایی نیست و آموزش عالی نیز تا حد زیادی منجر به تولید فارغ التحصیلان بیکاری می شود که در زندگی قادر به انجام کار و فعالیت در اموری که آموزش دیده اند، نمی باشند. آموزش فنی و حرفه ای باید در اولویت قرار داده می شد تا در آینده افراد به صورت کارآفرین در جامعه به ایفای نقش بپردازند؛ ولی متأسفانه، در این رابطه، نظام آموزش و پرورش آفریقا ضعیف و ناکارآمد باقی مانده است. (Boni Teiga, 2016)

در کشورهای آفریقایی؛ جمع گرایی و زن سالاری عواملی است که با بهره مندی اخلاق گرای مبتنی بر سنت ها و اعتقادات مذهبی موجب هنجارهایی است که فرد بر اساس کارآفرینی یا منفعت سازی سازمانی تشویق نمی شود، بلکه به دلیل روحیات اخلاقی که به روابط بین فردی مساعدت می کند، مورد تشویق واقع می گردد. آفریقا اکنون با مشکلات بسیار اقتصادی، فقر و بیکاری، وجود بیماری و مرگ و میر ناشی از مالاریا، ایدز، ابولا و .. مشکلات امنیتی، فعالیت های گروه های تروریستی، جنگ و درگیری های داخلی رو به رو است. مشکلاتی که ریشه بسیاری از آنها را باید در سیاست ها و مداخله جویی های کشورهای غربی در این منطقه جست. سالهاست کشورهای غربی به بهانه های مختلفی چون دفاع از حقوق بشر، کمک به برقراری امنیت و ثبات، مبارزه با تروریسم در این منطقه حضور مستقیم و غیر مستقیم دارند. (طالشی صالحانی، ۱۳۸۰:

در اکثر کشورهای آفریقایی، مشکلات مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجب شده تا انسجام درونی لازم برای حل و فصل قطعی مسائل بوجود نیاید و از طرف دیگر اختلافات قومی و قبیله ای و مذهبی، احساسات قوم گرایانه افراطی و ناسیونالیستی و رشد تفکرات افراطی مانند گروه های تروریستی «الشباب» در سومالی، «بوکوحرام» در نیجریه، گروه «انصارالدین» در مالی و.. از معضلات اجتماعی این قاره به شمار می آید. علیرغم مشکلات فراوان این قاره، اغلب آفریقائیان بر این باورند که ریشه و منشأ این نابسامانی ها، سابقه حضور کشورهای خارجی در گذشته و حال می باشد، ولی دیدگاه مردم آفریقا نسبت به روسیه منفی نیست. در صورتی که دارای دیدگاه خوبی نسبت به کشورهای غربی و سابقه استعماری آنها در منطقه آفریقا ندارند، در هر حال شرایط حضور و فعالیت برای فدراسیون روسیه علی الخصوص در زمینه های گوناگون فرهنگی، آموزشی، علمی و دانشگاهی فراهم است و وضعیت نابسامان آفریقا از لحاظ آموزشی و تربیت نیروهای کارآمد خود زمینه ساز فعالیت ها در روند دیپلماسی علمی روسیه است.

### بازگشت روسیه به آفریقا

«هانس مورگنتا»، از (رنالیست ها) «واقع گرایان کلاسیک» در کتاب «سیاست بین ملت ها» چنین نگاشته است که آفریقا پس از جنگ جهانی اول، فاقد تاریخ و از نظر سیاسی، فاقد جایگاه در عرصه بین الملل بوده است (Morgenthau, 1985:369). در دوران بعد از جنگ جهانی دوم و دوران جنگ سرد؛ نظریه پردازان عرصه سیاست بین الملل، به این نتیجه رسیدند که نادیده گرفتن منطقه ای چون آفریقا در نظریه مناظره روابط بین الملل مشکلی اساسی بوجود می آورد. لذا لازمه طراحی فرضیه جدیدی در خصوص آفریقا به عنوان بازیگر در عرصه سیاست جهانی، دولت ها و سازمان های بین المللی فراهم گردید و تغییر و تحولی در سیاست های قدرت های بزرگ در زمینه آفریقا پدیدار شد. در اوائل دهه ۶۰ و دوران دو قطبی، این منطقه به سوی تقابل «کمونیسم» و «سرمایه داری» سوق یافت و درک و فهم آفریقا به عنوان یک منطقه دارای اهمیت اندک در ادبیات دانشگاهی سیاست بین الملل انعکاس یافت (Croft, 1997:15).

در سال ۱۹۶۱ میلادی، هفده کشور آفریقایی با اتحاد جماهیر شوروی (سابق) توافق نامه های همکاری فرهنگی امضاء کرده اند که بتواند امکان ایجاد مراکز فرهنگی در این قاره را فراهم نماید. در چارچوب همکاری های آموزشی، تعداد دانشجویان بورسیه از تعداد سی نفر در ادوار گذشته، سال ۱۹۶۴ به بیش از چهار هزار نفر ارتقاء یافت. به موازات آن، مسکو از ارتش های محلی پشتیبانی مالی کرد و قدرت نرم با قدرت سخت همراه بود. در این دوران، اغلب دولت های آفریقایی تنها حامی خویش در برابر نفوذ استعمار غربی را در همکاری با اتحاد جماهیر شوروی (سابق) می پنداشتند.

پایان جنگ سرد، کاملاً آشکار نمود که اهمیت سیاسی و امنیتی قاره آفریقا، در نظر دولت ها و سازمان های همکاری اقتصادی و توسعه تا حدود زیادی کاهش یافته و آفریقا از راهبرد تقابل شرق و غرب خارج شد و کشورهای غربی و ایالات متحده را نسبت به این قاره بی علاقه نمود. پس از جنگ سرد، خاطره تجربه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) موجب شد تا در آفریقا نیز رواج ایده سوسیالیسم کنار گذاشته شود. وقتی «میخائیل گورباچف» به قدرت رسید، آفریقا دیگر یک موضوع مهم استراتژیک نبود. اولویت اول برای دولتمردان مسکو، جلوگیری از فروپاشی دولت، کاهش قدرت ایدئولوژی در ساختارهای قدرت، احیای اقتصاد و.. بود. در آفریقا، اردوگاه سوسیالیستی به میزان قابل توجهی تضعیف و تعداد ۹ سفارتخانه و نمایندگی تجاری اتحاد جماهیر شوروی (سابق) تعطیل گردید. خلاء استراتژیک برجای مانده از این عزیمت شتابزده، به سرعت توسط قدرت های غربی و چین پر شد. در واقع، این امر به دنبال حذف اتحاد جماهیر شوروی (سابق) از روی نقشه جهان رخ داد. (<https://www.ifri.org>)

آمریکا، در دوران جنگ سرد، همواره دشمن اصلی خویش (شوروی سابق) را در خارج از مرزهای جغرافیایی می دانست؛ ولی پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، به یکباره دشمن را در خاک آمریکا با حمله تروریستی به ساختمان سازمان تجارت جهانی و پنتاگون یافت و متوجه خطری گردید که در محدوده جغرافیایی، منافع وی را تهدید می کرد.



بنابراین نقش بالقوه قاره آفریقا بار دیگر در چارچوب امنیت جهانی مورد ارزیابی قرار گرفت و با توجه به ظهور افراط گرایان تروریست و دسترسی آنها به منابع مالی هنگفت، سلاح، مواد مخدر، قاچاق انسان و ... به عنوان بخشی از نگرانی های امنیتی مطرح شد. بدین سبب آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی و سازمان های همکاری های اقتصادی و توسعه، بر میزان همکاری های خویش در زمینه مختلف با آفریقا افزودند و یا از شکل گیری امنیت نوین آفریقا در قالب ایجاد بلوک منطقه ای حمایت کردند. Engel&Olsen, (2005:34-35)

در این راستا روسیه نیز در پی انعقاد موافقت نامه های امنیتی و نظامی با برخی کشورها مانند؛ آنگولا، بورکینافاسو، کامرون، گینه استوایی، غنا، مالی، نیجریه، سودان جنوبی و سودان برآمد که فروش تسلیحات از جمله هلیکوپترهای حمل و نقل و جنگی، هواپیماهای جنگی و سیستم های موشک زمین به هوا را نیز در بر می گرفت. با ماداگاسکار در زمینه تحویل «سلاح سبک» در فوریه ۲۰۱۸ قراردادی منعقد نمود تا این جزیره در میان اقیانوس هند، ناخواسته به یک نقطه پشتیبانی برای عملیات رصد اطلاعاتی روسیه تبدیل شود. در جبهه اقتصادی، روسیه به حفظ منافع گروه های اصلی خویش و اجرای سیاست اقتصادی نخبگان برای عملیات مالی و بانکی در آفریقا ادامه می دهد. تا پایان دوره چهارم «ولادیمیر پوتین»، تمهیدات مالی بیشتر شامل کنسرسیوم بانکی و شرکتهایی است که از آفریقا به عنوان رابط برای توسعه تجارت استفاده می کنند. با توجه به تغییر در معادلات بین المللی در دوران معاصر، تأثیر دولت های ضعیف آفریقایی در عرصه بین الملل روبه افزایش نهاد و به عنوان محلی برای گسترش درگیری های داخلی و منطقه ای، ایجاد هزینه های امنیتی و ضرر و زیان اقتصادی برای کشورهای

<sup>۱</sup> - پایگاه نیروی هوایی آمریکا در اقیانوس هند؛ جزیره «دیگو گارسیا» (نزدیک جزیره موریس و ماداگاسکار) است که از این پایگاه، هواپیماهای جنگنده آمریکا برای بمباران افغانستان و عراق (سال ۲۰۰۷) به پرواز در می آمدند. به احتمال زیاد علت انتخاب طرف قرارداد از سوی روسیه، حضور در منطقه و اشراف بر تحرکات نظامی آمریکاست.

همسایه در نظر گرفته شد. اما نیاز امنیت ملی آمریکا به قاره آفریقا با منابع نفت آن ارتباط بالقوه ای دارد؛ زیرا منابع و ذخایر نفتی آفریقا قادر است، وابستگی آمریکا به نفت خاورمیانه را کاهش دهد. آفریقا دارای سومین ذخایر نفتی جهان است و شرکتهای آمریکایی در دو کشور نیجریه و آنگولا سالانه بیش از ده میلیارد دلار سرمایه گذاری می کنند و علاوه بر آنها، در کشورهای دیگری مانند چاد، غنا، سنگال و.. ذخایر نفت کشف شده و به همین سبب آمریکا، پیمان ها و همکاریهای اقتصادی و نظامی خود را با این کشورها افزایش داده است.

از طرف دیگر روسیه نیز به بخوبی آگاه است که منابع مورد نیاز کشورش در سال های آتی از قبیل سنگ های معدنی، مس، کبالت، آهن، پلاتین، روی، منگنز، تیتانیوم، جیوه، کروم، بوکسیت و.. در قاره آفریقا قرار دارد که سرشار از این منابع است. همچنین بنگاه های کوچک و متوسط روسی برای صادرات به مناطق عاری از تحریم نیاز جدی دارند و بازار داخلی کافی نیست. اقتصاد ضعیف قاره آفریقا سبب می شود که مسکو بیش از پیش به آفریقا، این مخزن عظیم منابع طبیعی احساس نیاز و توجه کند و نیز به دنبال ایجاد تنوع در منابع واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی است تا از فشارهای تحریم آمریکا و کشورهای غربی بکاهد و از این منظر اولویت ارتباط و انعقاد قراردادهای جدید با آفریقا همانند احداث نیروگاه هسته ای (مصر)، گاز (الجزایر) و پروژه های مهم زیرساخت های انرژی و اخذ امتیاز کاوش و بهره برداری از طلا و الماس در آنگولا و جمهوری آفریقای مرکزی و.. اهمیت می یابد. علاوه بر جاذبه های اقتصادی آفریقا برای روسیه، ضعف زیرساخت های فرهنگی و عدم ثبات اجتماعی که روند توسعه پایدار را کند نموده است، از عوامل قابل توجه و فرصت حضور روسیه به شمار می آید.

### نتیجه گیری

روسیه به طور پیوسته از قرن هجدهم به بعد، خواستار نقشی بین المللی بوده و توانسته است که این نقش را کم و بیش بازی کند. اگرچه درجه و شدت نقش بین المللی روسیه متغیر و تابعی از میزان قدرت آن بوده است، اما تمایل استراتژیک به ایفای نقش بین المللی در سیاست خارجی روسیه همواره پایدار مانده است.

بازسازی وجهه بین المللی روسیه در دوران اخیر تشدید شده است؛ به نحوی که روسیه «ولادیمیر پوتین» تلاش می کند ضمن گسترش روابط با اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا و همچنین ایفای نقش بهتر در معادلات جهانی، از نظر راهبردی نیز مستقل عمل کند. البته روسیه تا تبدیل شدن به یک قطب در جهان فاصله زیادی دارد؛ ولی برای مقابله با هژمون آمریکا در منطقه نفوذ خویش، سعی در تقویت جایگاه خود با بهره گیری از ابزار قدرت نرم و دیپلماتیک و تشکیل هژمون خود به موازنه قدرت در عرصه بین الملل دست یابد.

در این راستا می توان چنین اظهار نظر نمود که روسیه با توجه به توسعه طلبی آمریکا و سیطره هژمونی اش بر نظام بین الملل، درصدد است اطمینان حاصل نماید که قدرت بزرگ رقیبش یعنی آمریکا بر مناطق تحت نفوذش غلبه نکند و منافع اش را به خطر نیندازد.

در دوران جدید و وضعیت متغیر معاصر، ابزار قدرت نرم در عرصه روابط بین الملل، بدان گونه که «جوزف نای» بر آن تأکید دارد، مورد توجه قدرت های بزرگ جهانی و کشورهای مختلف قرار گرفته است. روسیه نیز بنا دارد روند سیاست خارجی خود را در چارچوب بهره مندی از توسعه قدرت نرم در سایر کشورها به ویژه آفریقا با تلاش در عرصه ایجاد جذابیت های گوناگون مانند مساعدت های بشردوستانه، آموزش، تهیه و پخش برنامه های رادیویی و تلویزیونی، گردشگری و ارتباطات مردمی، برگزاری

نمایشگاه‌های فرهنگی، صادرات کالاهای فرهنگی و برنامه‌های تبادل دانشجویی و .. دایره‌ی نفوذ قدرت فرامنطقه‌ای خویش را افزایش بخشد.

قدرت نرم روسیه برخلاف آمریکا، ابزاری دفاعی برای ترویج چهره بین‌المللی بهتری از روسیه با تأکید بر صلح و ثبات با همه کشورهای جهان و حفظ مشروعیت خویش و تداوم آن است. در این راستا سعی دارد، فرهنگ و ارزش‌های سنتی روسی را به عنوان الگوی فرهنگی معرفی کند و منابع قدرت نرم خود را بر سه اصل؛ فرهنگ، اقتصاد و امنیت قرار داده است.

ارزیابی «جوزف نای» در مفهوم حوزه قدرت بر این موضوع استوار شده که کشورها با تلاش برای دستیابی به قدرت نرم، به تدریج از اعمال قدرت سخت و بکارگیری منابع آن دور می‌شوند. روسیه در همه‌ی گستره جهان به دنبال تحقق ایجاد شبکه‌ای از متحدان در جهت تلاش برای رقابت مبتنی بر قدرت نرم با قدرت‌های بزرگ غربی در بلندمدت است. در واقع روسیه با تأکید بر استفاده از منابع قدرت نرم خود مانند ترویج فرهنگ روسی، ایجاد نهادها، الگوی توسعه، چندجانبه‌گرایی و سیاست منافع متقابل برای تبدیل شدن به یک قوه بالفعل در مسیر ایجاد جهانی امن در آینده تلاش می‌نماید. فدراسیون روسیه همواره به دنبال این موضوع است که خود را به عنوان وارث اتحاد جماهیر شوروی بازنمایی کند. برای عموم مردم روسیه و نخبگان روس، افول و از کف دادن موقعیت و جایگاه ابرقدرتی در ساختار نظام بین‌الملل قابل باور نمی‌باشد. تلاش برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای؛ یکی از مولفه‌های ثابت فرهنگ استراتژیک روسیه و نگاه عقلانی پوتین در دوران پسا شوروی است. همان‌گونه که در دنیای حاضر، کثرت‌گرایی فرهنگی و پدیده‌ی چند فرهنگی موجب شده تا هم فرصت و هم چالش برای اهداف قدرت نرم پدید آید؛ روسیه نیز در نظر دارد تا در راستای توسعه همگرایی و تحقق اهداف دیپلماسی فرهنگی قدرت نرم خویش در بین دولت و ملت‌های آفریقایی، با برنامه‌ریزی در توسعه زیرساخت‌های فرهنگی زمینه‌های گسترش همکاری‌های

فرهنگی مشترک را فراهم آورد. در واقع با ایجاد تحول در ارزش های فرهنگی، تأثیرگذاری بر عقاید و رفتار مردم آفریقا، تهدیدات و آسیب پذیری خویش را در برابر هجمه غرب کاهش دهد. از طرف دیگر بستر لازم را برای کسب منافع ملی از رهگذر توسعه روابط فرهنگی و آموزشی فراهم آورد. از آنجا که آقای پوتین معتقد است قدرت گرفتن و رشد کلیسای ارتدوکس به نفع مردم روسیه و مانع احیای مجدد کمونیسم است، در همین راستای برای فراهم آوردن زمینه های گفتگوی بین ادیان به ویژه پیروان مسیحی آفریقایی، تلاش و برنامه ریزی می کند.

فعالیت های فرهنگی در آفریقا، عادی سازی حضور روسیه و شکل گیری ذهنیتی مثبت را دنبال می کنند. مراکز فرهنگی روسیه از طریق شعبات اصلی خود در آفریقا، خدمات تقریباً رایگان متعددی را برای جذب جوانان و بورس های تحصیلی کامل و نیمه کامل را هر سال برای تحصیلات عالی در روسیه ارائه می کنند.

یکی از برنامه های روسیه عنوان «جهان آفریقا» را بر خود دارد که خواستار یک «خودآگاهی هویتی آفریقایی» برای تمامی آفریقائیان می باشد و بر اساس مدلی است که در ۲۱ ژوئن سال ۲۰۰۷ رئیس جمهور پوتین با عنوان «بنیاد جهان روسی» تأسیس و فرهنگ و قدرت روسی را فراتر از مرزهای کنونی ترسیم نمود و ترویج درک و صلح در جهان با پشتیبانی، تقویت و ترغیب زبان، میراث و فرهنگ روسی را برعهده دارد.

در خصوص انگیزه و هدف دانشجویان آفریقایی از فراگیری زبان روسی؛ از عشق به ادبیات روسی گرفته تا تقویت فرصت های شغلی و حرفه ای متفاوت است. ترویج زبان روسی در کشورهای همسوی آفریقایی تنها با روابط اقتصادی و جذابیت فرهنگ روسی مرتبط و آموزش زبان روسی را در تقویت روابط و گسترش ارتباطات فرهنگی با این کشور می دانند. استراتژی مسکو؛ تضعیف حضور غرب در آفریقا و تقویت و تثبیت

ارتباط با دولت های همسو در این قاره است. از طرف دیگر عملکرد چین در آفریقا به احتمال زیاد بر روی رویکرد جدید روسیه برای حضور و فعالیت های همه جانبه فرهنگی تأثیر گذاشته است.

### منابع فارسی

- انگل، اولف و اولسن، گورم رای (۲۰۰۵)، *آفریقا و کشورهای شمال (بین جهانی شدن و به حاشیه رفتن)*، ترجمه بخشی، احمد، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، نشر علمی و فرهنگی کتیبه، تهران.
- سیمبر، رضا و احمد علی مقیمی (۱۳۹۴)، *منافع ملی و شاخص های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه علوم سیاسی - سیاست جهانی.
- صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، *دیپلماسی فرهنگی*، تهران: انتشارات ققنوس.
- طالشی صالحانی، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، *قاره آفریقا: از سازمان وحدت آفریقا تا اتحادیه آفریقا*، فصلنامه مطالعات آفریقا، - شماره ۴.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل*، ترجمه روحانی، محسن و ذوالفقاری، مهدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- <https://www.mehrnews.com/news/3722724> مهرماه ۱۳۹۵/فاطمه محمدی /سایت خبرگزاری مهر

### منابع لاتین

- Croft, S, “*International Relations and Africa*”, Review article, African Affairs, 1996.
- Engel, Ulf, Olsen, [Gorm Rye](#), “*Africa and the North: Between globalization and marginalization*”, London: Routledge, The New International Relations Series, 2005, ISBN: 0-415-33391-1
- Kalika, Arnaud, “*Le grand retour de la Russie en Afrique?*”, Russie. Nei.Visions, n° 114, Ifri, avril 2019.
- Kosachev, K., “*The Specifics of Russian Soft Power*”, Russia in Global Affairs, 2012.

- Morgenthau, H.I, “*Politics among Nation: The Struggle for Peace and Power*”, New York: KNOP, 1985.
- Putin, Vladimir, “*Russia and the Changing World*”, Moskovskie Novosti, 2012.
- Radvayi, Jean, “*Retour d'une autre Russie. Une plongée dans le pays de Poutine*”, Lormont, Le Bord de l'eau, coll. « Clair & net », 2013, 200 p., ISBN: 9782356872296.

سایت های اینترنتی:

- [http://www.mn.ru/ Politics/20120227/312306749](http://www.mn.ru/Politics/20120227/312306749)
- <http://eng.globalaffairs.ru/>, Accessed on: 2013/09/05
- [https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/kalika\\_russie\\_afrique\\_2019.pdf](https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/kalika_russie_afrique_2019.pdf)
- [https://www.inafran.ru/sites/default/files/page\\_file/african studies\\_2014-2016.pdf](https://www.inafran.ru/sites/default/files/page_file/african_studies_2014-2016.pdf)
- [https://www.inafran.ru/sites/default/files/page\\_file/african studies in russia 1998-2000.pdf](https://www.inafran.ru/sites/default/files/page_file/african_studies_in_russia_1998-2000.pdf)
- <http://www.rfi.fr/afrique/20160202-histoire-oubliee-etudiants-africains-pays-soviets-elitaf-afrique-urss-decolonisatio>
- [http://www.slateafrique.com/101049/economie-croissance-pays-africain-anglophones-meilleurs-que-les-francophones / Marcus Boni Teiga/ 05/10/2016](http://www.slateafrique.com/101049/economie-croissance-pays-africain-anglophones-meilleurs-que-les-francophones/Marcus_Boni_Teiga/05/10/2016)